

تحلیل آرای نادر فقهی شیعه دربارهٔ حجاب زن مسلمان^۱

مژده سادات ابراهیمی^۲

محمدتقی فخلعی^۳

حسین صابری^۴

تحلیل آرای نادر فقهی
شیعه دربارهٔ حجاب زن
مسلم

چکیده:

۷۷

اصل پوشش زنان، ضروری است اما در حدود آن اتفاق نظر وجود ندارد. نظر اکثر فقها، بر وجوب پوشش تمام بدن زن به استثنای وجه و کفین است؛ از این رو، هر دیدگاهی در مقابل آن، رأی نادر به‌شمار می‌آید. از آنجاکه نه شهرت دلیل صحت و اتقان و نه ندرت سبب ضعف و وهن حکم است، بررسی دلایل و مستندات آرای نادر فقهی ضروری به نظر می‌رسد. نوشتهٔ حاضر، با تتبع در سیر تاریخی مسئلهٔ حجاب و شناسایی آرای نادر در ادوار مختلف، به تحلیل آن‌ها پرداخته است. برآیند حاصل از تحقیق، بیانگر آن است که دیدگاه

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۲.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (متخذ از پایان‌نامه کارشناسی ارشد) رایانامه: ebrahimim788@gmail.com

۳. استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد. (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: fakhlai@um.ac.ir

۴. استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد. رایانامه: saberi@um.ac.ir

مشهور فقها، نظری میانه است که آرای نادر، در دو سوی افراط و تفریط آن، قرار دارد. روش این پژوهش توصیفی - تبیینی و گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

کلید واژه‌ها: حجاب، شهرت فتوایی، لباس المصلی، ستر وجه و کفین.

طرح مسئله

صاحب نظران بسیاری در خصوص پوشش بانوان به بحث و گفت‌وگو پرداخته‌اند. بررسی‌های انجام گرفته، عمدتاً با نگاه به پیامدهای اجتماعی حجاب و آثار روانی ناشی از آن بر افراد و جامعه است، اما تحلیل کاملی از منظر فقهی برای آن ارائه نشده است. این تحقیق به حدود و ثغور حجاب مطابق دیدگاه‌های کلاسیک فقهی می‌پردازد؛ اما تبیین‌ها و نقدهای این مقاله، نظر برخی از فقه‌پژوهان معاصر را در بر نمی‌گیرد. آرای گوناگون فقها از پوشش حداکثری تا حداقلی مانند: وجوب پوشش تمام بدن، بدون استثنا؛ وجوب پوشش تمام بدن به استثنای وجه؛ وجوب پوشش تمام بدن، به جز وجه و کفین و ... در عبارات فقها مشاهده می‌شود. علاوه بر این، در مورد پوشاندن پاها، تفاوت ستر در حال نماز و غیر نماز و ... نیز اختلافاتی به چشم می‌خورد. با این حال، برخی از آرا، طرفداران بیشتری به خود اختصاص داده است که در اصطلاح «رای مشهور» و برخی قائلان کمتری دارد که در مقایسه با مورد قبل «رای نادر» نامیده می‌شود.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال چهارم، شماره پیاپی دوازدهم

پاییز ۱۳۹۷

۷۸

این پژوهش، با بیان مفهوم نادر و مشهور، به شناسایی این آرا پرداخته است. تتبع در سیر تاریخی موضوع میزان حجاب نشان می‌دهد که این مسئله دوره‌های متفاوتی به خود دیده است؛ از این رو، آرای نادر در هر دوره فقهی متفاوت است. به علاوه فقها معمولاً در دو کتاب به بحث از پوشش پرداخته‌اند؛ یکی کتاب صلات در بحث پوشش نمازگزار و دیگری در کتاب نکاح، ضمن مسئله نگاه به نامحرم. با این طرح بحث از سوی فقها، دستیابی به میزان وجوب پوشش زن در مقابل نامحرم، دو موضوع شایسته بررسی است: اول بررسی تفکیک میان پوشش صلاتی و پوشش در مقابل نامحرم و دوم وجود ملازمه میان نگاه و پوشش.

با این توضیح، پس از تعریف مفاهیم مورد نیاز، ابتدا تساوی یا عدم تساوی ستر

صلاتی و پوشش در مقابل نامحرم بررسی می‌شود. سپس وجود تلازم میان حرمت نگاه و وجوب پوشش، مورد توجه قرار می‌گیرد. در نهایت، دوره‌های دارای قول مشهور یکسان در ضمن سه دوره ترسیم می‌گردد و آرای نادر در هر دوره شناسایی و تحلیل می‌شود.

۱. مفهوم شناسی رأی نادر و مشهور

بررسی دقیق حکم هر مسئله منوط به شناخت صحیح آن است. در بحث حاضر اصطلاحاتی وجود دارد که قبل از ورود به بحث اصلی بایسته است منظور از آنها تبیین گردد.

اصطلاح نادر غالباً در کنار اصطلاحاتی مانند شاذ تعریف می‌شود؛ لذا با بیان معنای رأی شاذ، معنای رأی نادر مشخص می‌شود. «شاذ» اسم فاعل از «شذَّ» به معنای مخالف قاعده و قیاس است. همچنین به کسی که با جماعت مخالفت نموده یا از آن‌ها جدا شود، شاذ گفته می‌شود. درباره فرق میان شاذ و نادر آمده است: شاذ در زبان عربی درباره چیز زیاد اما خلاف قاعده به کار می‌رود، در حالی که نادر از نظر وجودی اندک، اما موافق قیاس و قاعده می‌باشد. شاذ در اصطلاح حنفیه و مالکیه، چیزی است که مقابل مشهور، راجح یا صحیح باشد؛ یعنی به رأی مرجوح، ضعیف یا غریب، شاذ می‌گویند (عبدالمنعم، بی تا، ۲/۳۱۲-۳۱۱).

در تعریف مشهور آمده است: حکم یا فتوایی است که بیشتر فقها به آن فتوا داده‌اند و مخالف اندکی دارد که با وجود آن‌ها اجماعی تحقق نمی‌یابد (شهید صدر، ۱۴۲۰، ۵۰۶/۸).

در تقسیم ارائه شده در کتب اصولی شهرت به سه قسم شهرت روایی، عملی و فتوایی تقسیم می‌شود: شهرت روایی به معنای مشهور بودن نقل یک روایت بین حدیث‌شناسان و راویان آن، که نزدیک به زمان حضور معصوم علیه السلام بوده‌اند، می‌باشد. شهرت عملی مشهور بودن عمل به روایت و فراوانی استناد به آن در مقام فتواست. شهرت فتوایی عبارت است از مشهور بودن فتوا نسبت به حکمی در یک مسئله، بدون اینکه فتوادهندگان به روایت خاصی استناد دهند (مشکینی، ۱۴۱۳، ۱۵۶-۱۵۵).

با توجه به تعاریف ذکر شده از اقسام شهرت، اگر رأی مشهور فقها در یک مسئله بر پایه ادله روشن و شناخته شده آن باب شکل گیرد، در هیچ کدام از اقسام سه گانه شهرت جای نمی گیرد. اما مقصود از «مشهور» در این مقاله، همین معنای از شهرت است؛ لذا یا باید مفهوم شهرت فتوایی را گسترش داد تا شامل آرای مستند به روایات هم بشود یا قسم چهارمی برای شهرت تعریف نمود که فتوای اکثر فقها را که دیدگاهشان مستند به ادله مشخص است، در بر گیرد.

۲. تطوّر پوشش صلاتی و پوشش در مقابل نامحرم

روشن شدن موضوع تفاوت یا عدم تفاوت پوشش زنان در نماز و در مقابل نامحرم، مستلزم بررسی آرای فقهاست. از این رو، با توجه به سیر تاریخی آرا، دیدگاه فقها ملاحظه می گردد.

از ابن ابی عقیل عمانی در مورد پوشش زن، نه در کتاب صلات و نه در کتاب نکاح، هیچ رأی و فتوایی موجود نیست (ابن ابی عقیل، بی تا، ۵۵-۲۰ و ۱۳۰-۱۱۸). اما ابن جنید دو عبارت در مورد پوشش مطرح کرده است. عبارت دوم او در زمینه پوشش زن در حال نماز با بحث کنونی ارتباط دارد. او می گوید: «اشکال ندارد که زن آزاد و کنیز زمانی که نامحرمی آن‌ها را نبیند در حالی که سرشان باز است، نماز بخوانند». (ابن جنید، ۱۴۱۶، ۵۱). نکته‌ای که در این بحث می توان از بیان ابن جنید استخراج نمود، آن است که وی میان پوشش در نماز و ستر در مقابل نامحرم تفاوت قائل است. وی با وجوب پوشاندن سر در مقابل نامحرم، پوشش در مقابل نامحرم را بیش تر از ستر در حال نماز عنوان می کند. فقهای پس از ابن جنید در قرن چهارم و ششم، یعنی از شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، ابوالصلاح حلبی، شیخ طوسی، قاضی ابن براج، ابن ادریس حلّی، هیچ اظهارنظری درباره تفاوت یا عدم تفاوت ستر صلاتی با غیر صلاتی ندارند، همچنین بیشتر فقهای قرن هفتم تا چهاردهم در استثنای برخی از اعضا از محدوده پوشش (مثل گردی صورت و کف دست‌ها)، به واجب نبودن پوشش آن‌ها در احرام یا استناد به آیه «أَلَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» یا عسر و حرج پوشاندنشان در خرید و فروش و ... اشاره می کنند (محقق حلّی،

۱۴۰۷، ۱۰۱/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ۴۴۳/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۹، ۳۶۶/۱-۳۶۵؛ شهید اول، ۱۴۱۹، ۸/۳-۱۲؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ۹۶/۲-۹۲؛ شهید ثانی، ۱۴۰۲، ۵۸۲/۲-۵۸۱). از سویی، هیچ کدام از این موارد مربوط به نماز نیست و از سوی دیگر، این دلایل را در باب ستر صلاتی مطرح می کنند؛ لذا می توان این فقها را قائل به تساوی پوشش در نماز و مقابل نامحرم دانست. در این میان تنها ابن فهد حلی، بحرانی و کاشف الغطاء صراحتاً تساوی دو مقام را بیان می دارند (ابن فهد، ۱۴۰۹، ۱۵۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۶/۷؛ کاشف الغطاء (حسن بن جعفر)، ۱۴۲۲، ۶۰). اما فقهای قرن چهاردهم و پانزدهم با تفکیک مباحث ستر صلاتی از غیر صلاتی، اعتقاد خود را بر اختلاف میزان پوشش در دو بحث یادآور می شوند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ۱/۵۴۹؛ حکیم، ۱۴۱۶، ۵/۲۵۸-۲۳۹؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷، ۱۲/۵۳۸-۴۵۶؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶، ۱/۱۴۴-۱۴۳؛ خویی، ۱۴۱۸، ۱۲/۱۰۴-۶۲؛ خمینی، بی تا، ۲/۲۴۴ و ۱/۱۴۲؛ سبزواری، ۱۴۱۶، ۵/۲۴۷-۲۲۸).

۳. ملازمه میان نگاه و پوشش

حال با توجه به اینکه اکثر فقهای اولیه تا قرن چهاردهم تفاوت یا عدم تفاوت ستر صلاتی با غیر صلاتی را بیان نکرده اند، همچنین پراکندگی بحث حجاب بانوان در باب های صلات و نکاح، باید دید آیا فقها وجود رابطه میان پوشش و نگاه را می پذیرند یا خیر؟ تا معلوم گردد که اگر بر مردان نگاه به اندام نامحرم حرام شود، آیا بر زنان پوشاندن آن نواحی لازم است یا خیر؟ تا حکم فقها نسبت به میزان پوشش در مقابل نامحرم روشن گردد.

برخی از فقها صراحتاً یا تلویحاً به این ارتباط اشاره کرده اند. علامه حلی نخستین فقیهی است که بحث نگاه را به مسئله پوشش گره می زند (علامه، ۱۴۱۲، ۴/۲۷۱) و در وجوب پوشاندن عورت در نماز و غیر نماز به روایت «لَعْنُ اللَّهِ النَّاطِرُ وَالْمَنْظُورُ إِلَيْهِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲/۵۶) که درباره نگاه استناد می کند (علامه، ۱۴۱۹، ۱/۳۶۶-۳۶۵).

طباطبایی یزدی در خصوص پوشش در مقابل نامحرم این بحث را با مسئله نگاه

ربط می دهد (طباطبائی، ۱۴۰۹، ۱/۵۵۰-۵۴۹). سید محسن حکیم ملازمه میان حرمت نگاه و وجوب پوشش را مفروغ معنه در ظاهر نص و فتوا می داند و روشنی حکم در لزوم پوشیدگی و حرمت نگاه را دلیل نپرداختن بیشتر نصوص به آن عنوان می کند (حکیم، ۱۴۱۶، ۵/۲۴۱-۲۴۰). محقق خوینی نیز این ملازمه را به این ترتیب مطرح می کند که از حرمت اظهار و وجوب پوشش، حرمت نگاه اثبات می شود (اشتهاردی، ۱۴۱۸، ۳۲/۴۲). ایشان نیز دلیل واجب بودن پوشش برای زن را جایز نبودن نگاه به او می داند (اشتهاردی، ۱۴۱۷، ۱۲/۴۵۸). امام خمینی می فرماید: همان طور که بر مرد حرام است به زن نامحرم نگاه کند، بر خانم پوشیده بودن واجب است (خمینی، بی تا، ۲/۲۴۴). شبیری زنجانی قائل به ملازمه ظاهری و اقتضایی^۱ میان حرمت کشف و حرمت نظر است (زنجانی، ۱۴۱۹، ۱/۳۴۹-۳۴۰). مکارم شیرازی در مباحث جواز نظر به وجه و کفین، قائل به ملازمه عرفی میان جواز ابداء و جواز نظر است (مکارم، ۱۴۲۵، ۶۴). سند بحرانی با آنکه ملازمه میان جواز نظر در صورت جواز ابداء را نمی پذیرد و قبول ندارد که آنچه نگاه به آن حرمت دارد، واجب است پوشیده شود، معتقد است میان هر چه که سترش واجب است تلازم حرمت نگاه به آن، برقرار است (سند، ۱۴۲۹، ۱/۲۴-۲۳).

با توضیحاتی که بیان شد، می توان گفت: وجود ارتباط بین نگاه و پوشش محرز است. اکثر فقها نیز قائل به وجود رابطه بین کشف و نظر هستند. همچنین آیات سی

۱. اقتضا مقابل فعل است؛ اگر کشف حرام شد، معلوم می شود که رؤیت دیگران مبعوض شارع است، برای اینکه این مبعوض واقع نشود، دستور ستر داده شده و کشف حرام شمرده شده است، درحالی که تحقق مبعوض به دو امر بستگی دارد: کشف از یک طرف و نگاه کردن از طرف دیگر، مبعوض شارع با فعل هر دو طرف واقع می شود. مثلاً قتل نفس که مبعوض شارع است، برای محقق شدن به دو فعل بستگی دارد، یکی اینکه شخصی گردن خود را آماده کند تا شمشیر بر آن فرود آید و دیگری زدن گردن او با شمشیر. طبعاً هر دو باید حرام باشند. در اینجا هم چون قوام مبعوض شارع هم به کشف است و هم به نظر، پس باید هر دو حرام باشند. چون مادامی که اجازه ای از ناحیه شارع صادر نشده باشد، حصول مبعوض شارع به هر دو فعل است و هر دو ممنوع می باشد.

ولی از نظر فعلی ممکن است بخاطر وجود مفسده ای، حرمت را از طرفین یا یک طرف بردارند، مثلاً غیبت کردن حرام است، از سوی دیگر تحصیل علم باعث تحریک حسادت فرد دیگری می شود و به غیبت می افتد. حال با ترک تحصیل، این مبعوض شارع - غیبت - واقع نمی شود. در اینجا شارع مصالح دیگری را در نظر می گیرد و با کسر و انکسار مصالح می گوید: تحصیل علم کن؛ اینکه غیبت کردن دیگری نیز خلاف شرع است. یعنی با اینکه تحصیل، برای حصول مبعوض شارع، جنبه اعدادی دارد و علت معده است، ولی در عین حال شارع حرمت را برمی دارد و تحصیل را اجازه می دهد. بنابراین، اقتضائاً بین حرمت کشف و حرمت نظر ملازمه برقرار است، ولی به حسب فعلیت ملازمه ای در کار نیست.

و سی و یکم سوره نور،^۱ مهم‌ترین آیاتی که در بحث حجاب زن به آن استناد می‌شود، مؤید این کلام است؛ زیرا در این آیه شریفه ابتدا به مسئله نگاه پرداخته شده، سپس درباره پوشش بانوان سخن به میان آمده است. حال اگر از منظر قرآنی تلازم میان این دو بحث استفاده نشود، وجود ارتباط میان نگاه و پوشش، ثابت است. افزون بر این، شاید بتوان وجود رابطه میان وجوب پوشش با حرمت نظر را از دید عرف حتمی دانست؛ زیرا اگر در عرف کسی بگوید: صورت خود را از نامحرم بپوشان، از این کلام استفاده می‌شود که نامحرم نیز حق نگاه کردن ندارد و اگر بر نامحرم دیدن برخی از اندام زن جایز نباشد، پوشاندن آن از نظر عرف لازم است.

۴. دوره‌های فقهی بر اساس قول مشهور در مسئله حجاب

با توجه به اختلاف نظر فقها درباره تساوی یا عدم تساوی پوشش در نماز و در مقابل نامحرم، همچنین با پذیرش ارتباط میان نگاه و پوشش، برای یافتن آرای فقها درباره پوشش بانوان در مقابل نامحرم باید دیدگاه فقها را در این دو مسئله روشن نمود. از آنجا که فقه‌های قرن چهارم تا ششم، سخنی در خصوص تفاوت یا عدم تفاوت ستر صلاتی با غیر صلاتی ندارند، لذا گفتار آنان در کتاب صلات، مخصوص پوشش صلاتی است. پس نظر ایشان را درباره پوشش در برابر نامحرم، با توجه به پذیرش ملازمه میان نگاه و ستر، باید از کتاب نکاح به دست آورد. اما با توجه به دیدگاه اکثر فقه‌های قرن هفتم تا سیزدهم در پذیرفتن تساوی پوشش در نماز و مقابل نامحرم، نظر ایشان در هر دو کتاب نکاح و صلات بررسی می‌گردد.

۴.۱. آرای فقه‌های قرن چهارم تا ششم

ابن جنید در کتاب الصلاة معتقد است، مقداری از بدن که واجب است پوشانده شود، دو عورت است که عبارت است از پیش و پس، از مرد و زن. علامه حلی پس از نقل این کلام از ابن جنید، نظر او را به تساوی زن و مرد در عورت تفسیر می‌کند:

۱. ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُوا مِنْ أَنْبَارِهِمْ... وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...﴾ (نور، ۳۱-۳۰).

بنابراین، میزان واجب الستر برای زن از نظر ابن جنید همان شرمگاه (قبل و دبر) اوست نه بیشتر (علامه حلی، مختلف، ۱۴۱۳، ۹۸/۲).^۱

همچنین ابن جنید معتقد است که برای زن اشکالی ندارد، زمانی که نامحرمی او را نمی‌بیند در حالی نماز بخواند که سر او باز است. دلیل او دو حدیث از عبدالله بن بکیر از امام صادق علیه السلام است (ابن جنید، ۱۴۱۶، ۵۱).

صدوق در کتاب «من لا یحضر الفقیه» در این باره به بیان نظر خود پرداخته است. با توجه به روایی بودن این کتاب، مؤلف کتاب تصریح دارد به اینکه در آن تنها روایاتی را بیان نموده که به آن‌ها فتوا می‌دهد (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳/۱)؛ لذا متن روایات به منزله رأی ایشان است وی در کتاب نکاح، در باب «أفضل النساء» روایتی را بیان می‌کند که طبق آن رسول خدا صلی الله علیه و آله از ویژگی‌های زنان با برکت به صفت «السَّيِّرَةَ» و «الْمُتَبَرِّجَةَ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانَ مَعَ غَيْرِهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳/۳۸۹)، اشاره می‌کنند، اما مقدار پوشش زن بیان نمی‌شود.

شیخ صدوق در باب لمس، در بحث غسل میّت، حدیثی از امام صادق علیه السلام ذکر می‌کند که حضرت فرمودند: «آن موضعی که خداوند تیمّم را بر آن‌ها واجب فرموده شسته می‌شود، دست به او نمی‌زنند و چیزی از محاسنش که خداوند عزّوجلّ به پوشانیدن آن‌ها امر فرموده باز نمی‌شود. به آن حضرت عرض شد: چگونه با او رفتار کنند؟ آن حضرت فرمود: کف دست‌هایش شسته می‌شود و بعد صورتش و سپس پشت دست‌هایش» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۱/۱۵۶). بنابراین روایت، پوشش برای زنان از نظر صدوق، ستر تمام بدن به جز صورت و دست‌ها تا میچ است.

شیخ مفید در ابواب نکاح، نگاه نامحرم به صورت زن را با لذت و بدون قصد عقد حلال نمی‌داند (مفید، ۱۴۱۳، المقنعه، ۵۲۱-۵۲۰). در صورت قبول مفهوم وصف، می‌توان نگاه بدون لذت و با قصد عقد، به صورت زن را جایز دانست، در غیر این صورت، از این عبارت میزان واجب پوشش زن برداشت نمی‌شود.

تنها جمله‌ای که از سید مرتضی در خصوص پوشش بانوان آمده، این است که

۱. کتاب «الاحمدی فی الفقه المحمّدی» از تألیفات ابن جنید از بین رفته است، ولی فتاوی او را علامه حلی در مختلف الشیعه و سایر فقها در آثار خود ذکر کرده‌اند (ربانی، ۱۳۸۶، ۶۷-۶۶).

«... بر زن آزاد واجب است در نماز سر خود را بپوشاند» (سیدمرتضی، ۱۳۸۷، ۵۵). اما از ایشان در کتاب‌های رسائل، الانتصار و مسائل الناصریات هیچ صحبتی از پوشش خانم‌ها در نماز یا غیر نماز وجود ندارد. علم الهدی برای پوشش در نماز همانند صدوق (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳۷۲/۱) تنها به لزوم ستر سر اشاره می‌کند و به آن فتوا می‌دهد بدون آنکه دلیلی برای نظر خود بیاورد.

ابوالصلاح حلبی نگاه به زن نامحرم را بدون اراده تزویج جایز نمی‌داند (حلبی، ۱۴۰۳، ۲۹۶). با توجه به مقدمات حکمت، از آنجا که ایشان در مقام بیان بوده و استثنائاتی مطرح نکرده است، می‌توان برداشت کرد که ایشان معتقد به وجوب پوشش تمام بدن زن است.

عبارت‌های شیخ طوسی در میزان پوشش زن مختلف است. بیان ایشان در بیش‌تر کتاب‌هایش، جواز نگاه به چهره و دست‌هاست (طوسی، ۱۳۹۰، ۲۰۲/۱؛ طوسی، ۱۴۰۷، التهذیب، ۴۴۲/۱؛ طوسی، ۱۴۰۷، الخلاف، ۲۴۸/۴). کلام ایشان در المبسوط جواز همراه با کراهت است (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۶۰/۴). اما در النهایة به حرمت نگاه به صورت و دست‌ها معتقد شده است (طوسی، ۱۴۰۰، ۴۸۴).

ابن براج نیز در صورت عدم اراده عقد ازدواج نگاه به هیچ قسمتی از بدن زن را جایز نمی‌داند (ابن براج، ۱۴۰۶، ۲۲۱/۲). قطب‌الدین راوندی معتقد به پوشاندن تمام بدن زن است (۱۴۰۵، ۹۵/۱). ابن حمزه نیز ضمن عورت دانستن تمام بدن زنان، برای بانوان واجب می‌داند تمام بدن خود به جز موضع سجود را بپوشانند (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ۸۹).

ابن زهره نیز عورت واجب‌الستر برای زنان را تمام بدنشان می‌داند (ابن زهره، ۱۴۱۷، ۶۵). ابن ادریس حلی نیز نگاه نامحرم را به زن جایز نمی‌داند (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۶۰۸/۲).

بنابراین، نظر مشهور فقهای این دوره، لزوم پوشش تمام بدن زن بدون استثنا در اعضای بدن است. با این حال، رأی ابن جنید مبنی بر وجوب پوشش عورتین و نیز دیدگاه شیخ صدوق مبنی بر جواز باز بودن چهره و کفین، همچنین رأی شیخ طوسی در جواز کشف وجه و کفین یا تنها وجه و نیز نظر ابن حمزه در وجوب پوشش تمام

بدن مگر سجده گاه، آرای نادر این دوره به شمار می‌رود.

۴.۱.۱. تحلیل آرای نادر این دوره

ابن جنید در نظریه تساوی عورتین در زن و مرد، هیچ دلیلی برای نظر خود نمی‌آورد تا مورد نقد و بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، هیچ مؤیدی بر مدعای ابن جنید وجود ندارد و هیچ‌یک از فقهای این دوره و حتی دیگر ادوار فقهی با وی موافق نیستند. نظر صدوق در جواز کشف وجه و کفین از متن روایت فهمیده می‌شود؛ لذا دلیل ایشان در پذیرش این قول، همان حدیث است. راوی روایت جواز کشف وجه و کفین، مفضل بن عمر از اصحاب و شاگردان امام صادق و امام کاظم (۳) است. درباره وثاقت و عدم وثاقت‌اش بین علما اختلاف نظر وجود دارد. بعضی از بزرگان در خصوص وثاقت وی اظهار نظری ندارند؛ مثلاً شیخ مفید در الإرشاد مفضل را در زمره اصحاب بزرگ امام صادق علیه السلام می‌خواند (مفید، ۱۴۱۳، ۲/۲۱۶). کشی نیز فقط روایات ستایش و نکوهش او را بیان می‌کند (کشی، ۱۴۹۰، ۳۲۱). شیخ طوسی نیز تنها به ذکر کتاب و وصیت او اشاره دارد (طوسی، بی تا، ۱۶۹). برخی تنها به آوردن نام مفضل در زمره راویان اکتفا نموده‌اند (برقی، ۱۳۸۳، ۳۴؛ طوسی، ۱۴۲۷، ۳۰۷). اما برخی از رجالیان او را ضعیف، فاسد المذهب، مضطرب الروایة، متهافت، مرتفع القول، خطابی و... می‌دانند (نجاشی، ۱۴۰۷، ۴۱۶؛ ابن غضائری، بی تا، ۸۷؛ علامه حلی، ۱۳۸۱، ۲۵۸؛ تفرشی، ۱۴۱۸، ۴/۴۰۷). گروه دیگری از رجالیان، مفضل را شخصی موثق و دارای اعتقادات صحیح می‌دانند. ایشان در مقابل روایات ذم مفضل، احادیثی که در مدح او وارد شده، ذکر می‌کنند. همچنین قرائن و شواهدی را در میرا دانستن ایشان از اتهاماتی چون غلو، خطابی بودن و اضطراب روایت و... بیان می‌دارند (مامقانی، بی تا، ۳/۲۳۸؛ شوشتری، ۱۴۱۰، ۹/۹۳؛ خویی، ۱۳۷۲، ۱۹/۳۱۵). صدوق در مقدمه کتاب من لایحضر الفقیه تصریح می‌کند که در این کتاب فقط احادیث صحیح را جمع‌آوری کرده و آن را از مجامع روایی مشهور اخذ کرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳/۱). همچنین بروجردی برای اعتماد به احادیث این کتاب با اشاره به فرمایش خود صدوق می‌افزاید: بنابراین ضرورتی نداشته است

جستارهای
فقهی و اصولی

سال چهارم، شماره پیاپی دوازدهم
پاییز ۱۳۹۷

۸۶

که وی سندها را ذکر کند، لذا اگر گاهی سندها را بیان کرده برای تیمن و تبرک بوده است و نیز مواردی که طریقی‌ها را ذکر نکرده است، روایات آن به دلیل صحّت انتساب کتاب‌ها به صاحبانش معتبر است (سبحانی، ۱۴۱۴، ۳۸۵).

بنابراین، با توجه به تفاوت آرا، کسانی همچون صدوق که مفضّل را تأیید می‌کنند، جواز کشف وجه و کفین را می‌پذیرند، اما افرادی که به عدم وثاقت مفضّل معتقد هستند، با استناد به روایت وی، نمی‌توانند به جواز کشف وجه و کفین رأی دهند. دیدگاه شیخ طوسی نیز چون با اختلاف نظر خود او همراه است، قابل نقد و بررسی دقیق نیست، اما از آنجا که رأی مشهور فقهای ادوار بعدی، جواز کشف صورت و دست‌ها تا میج است، تفاوت نظرهای شیخ طوسی را می‌توان مربوط به دیدگاه ایشان در پوشش حدّاقلی و حدّاکثری دانست.

رأی «پوشش تمام بدن مگر سجده‌گاه» مختص به ابن حمزه است (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ۸۹). ایشان دلیلی برای نظر خود بیان نمی‌کند و مرحوم نائینی معتقد است وجهی برای این دیدگاه وجود ندارد (نائینی، ۱۴۱۱، ۳۸۴/۱). اما شاید دلیل ایشان روایت سماعه باشد که در آن روای می‌گوید: درباره زنی که با نقاب نماز می‌خواند، پرسیدم. ایشان فرمودند: اگر محل سجده‌اش باز باشد، اشکالی ندارد. البته اگر آن را نیز ببوشاند، بهتر است (طوسی، تهذیب، ۱۴۰۷، ۲/۲۳۰). با توجه به سایر روایات و وجود لفظ «افضل» در این روایت شاید بتوان استصحاب پوشاندن صورت را در شرایط خاص مانند احتمال نگاه حرام به وی استفاده نمود.

۴.۲. آرای فقهای قرن هفتم تا سیزدهم

محقق حلّی در کتاب نکاح، نگاه به وجه و کفین نامحرم را در مرتبه اول مکروه و تکرار نگاه را غیرجایز (حرام) می‌داند (حلّی، ۱۴۰۸، ۲/۲۱۳). اما در جای دیگر قایل به حرمت نگاه به‌طور مطلق شده است (حلّی، ۱۴۱۸، ۴۳۴).

ایشان در کتاب صلات، صورت و دست‌ها تا میج را از میزان پوشش زن خارج می‌کند. با اینکه در مورد استثنای پاها مردد است، اما به نظر می‌رسد جواز آن را می‌پسندد (حلّی، ۱۴۰۸، ۱/۶۰-۵۹؛ حلّی، ۱۴۱۸، ۱/۲۵). همچنین در کتاب المعتمر

این قول را تقویت کرده و دلایل خود را بیان می‌کند (حلی، ۱۴۰۷، ۱۰۲/۲-۱۰۱). با اینکه این مطالب در کتاب صلات ایشان آمده است، مستنداتش حاکی از آن است که میان پوشش خانم‌ها در حال نماز با غیر نماز تفاوتی قائل نیست؛ چرا که دلیل استثنای صورت را اجماع علمای اسلام و حدیث «جسد المرأة عورة» از پیامبر ﷺ ذکر می‌کند. دلیل بر عورت نبودن کفان را علاوه بر اجماع مذهب شیعه، عادت بر آشکاریشان در أخذ و عطا و تفسیر به زینت ظاهره شدن آن‌ها، در قول ابن عباس (بیهقی، ۱۴۲۴، ۲/۲۲۵) معرفی می‌کند. همچنین درباره پوشش روی پاها به سخن شیخ طوسی مبنی بر اینکه پوشاندن آن‌ها واجب نیست، اشاره می‌کند و می‌افزاید که بنابر مکتب شیعه، این دو عضو غالباً آشکار هستند. پس همانند کفین می‌باشند، بلکه ظاهر کردن آن‌ها بدتر از نمایان نمودن چهره نیست. ایشان مؤید سخن خود را روایت محمد بن مسلم، از امام باقر علیه السلام می‌داند (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۰۲/۲-۱۰۱).

رای ایشان در مورد عدم تکرار نگاه روشن می‌سازد که خصوصیتی در نگاه اول بوده (نگاه حرام با قصد لذت) که باعث حرمت نگاه‌های بعدی شده است. همچنین اطلاق حرمت نگاه با موارد استثنائی که در پوشش نمازگزار ذکر می‌کند، مقید می‌گردد.

علامه حلی دو حکم در مورد نگاه به نامحرم دارند؛ یکی حرمت نگاه به‌طور مطلق (الإرشاد، ۱۴۱۰، ۵/۲؛ تذکره، ۱۳۸۸، ۵۷۳) و دیگری کراهت نگاه در مرتبه اول، نه بیشتر (تحریر، ۱۴۲۰، ۳/۴۱۹؛ قواعد، ۱۴۱۳، ۶/۳).

ایشان در بحث نماز، بازگذاشتن صورت و دست‌ها تا مچ را جایز دانسته، به پوشیدگی سر بانوان اشاره می‌کند (تحریر، ۱۴۲۰، ۱/۲۰۲؛ نه‌ایه، ۱۴۱۹، ۱/۳۶۶). همچنین، اجماع را دلیل جواز کشف صورت و روایت زراره،^۲ آشکار بودن دست‌ها به‌طور معمول و نیاز به باز بودن آن‌ها در اخذ و عطا را دلایل باز بودن دست‌ها تا مچ

۱. «قلت: ماتری للرجل أن یصلی فی قمیص واحد؟ قال: إذا كان كثیفاً فلا بأس و المرأة تصلي في الدرع و المقنعة إذا كان الدرع كثيفاً، یعنی إذا كان ستيراً» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۴/۳۸۷).

۲ - «سألَت أبا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ أَذَى مَا تُصَلِّي فِيهِ الْمَرْأَةُ قَالَ دِرْعٌ وَ مَلْحَفَةٌ تُشْتَرُهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ تَجَلَّلُ بِهِ» (طوسی، ۱۳۹۰، ۱/۳۸۹-۳۸۸)

می‌داند (حلی، ۱۴۱۳، ۲/۹۹-۹۶؛ ۱۴۱۴، ۲/۴۴۷). حرام بودن پوشاندن دست‌ها تا مچ با دستکش و صورت با نقاب را در حال إحرام دلیل دیگری در جواز باز بودن آن‌ها می‌داند (حلی، ۱۴۱۲، ۴/۲۷۴-۲۷۱). اینکه در بحث نماز، نیاز به أخذ و عطا مطرح می‌شود، شاهی است بر اینکه علامه موافق تساوی ستر صلاتی و غیر صلاتی است. ایشان به نحوی عدم ستر پاها را نیز می‌پذیرد و مانند محقق حلی در باز بودن پاها شک و تردید ندارد، اما کلام ایشان درباره میزان آن مختلف است (حلی، ۱۳۸۸، ۴۴۷؛ ۱۴۱۹، ۱/۳۶۶؛ ۱۴۱۳، ۲/۹۸؛ ۱۴۱۲، ۴/۲۷۳؛ ۱۴۲۰، ۱/۲۰۲). بنابراین مقصود علامه از مطلق حرمت نگاه، وجوب پوشش سراسری نیست، بلکه وجه و کفین و به نحوی قدمین از آن استثنا شده است.

شهید اول در وجوب ستر عورت در غیر نماز و طواف می‌گوید: بنابر اجماع، پوشش در غیر نماز و طواف واجب است. ایشان در تحدید عورت، تمام بدن و سر زن آزاد به جز صورت و ظاهر کفین و قدمین او را عورت می‌داند (شهید اول، ۱۴۱۹، ۶-۷/۳).

تحلیل آرای نادر فقهی
شعبه درباره حجاب زن
مسلمین

۸۹

فاضل مقداد در توضیح آیه ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ (نور/۳۱) که مطمئناً درباره پوشش در غیر نماز است، می‌نگارد: این آیه در تحریم آشکار ساختن زینت است و مراد خود زینت است. نگاه به آن فقط به این دلیل حرام است که اگر نگاه به این زینت، مباح [جایز و حلال] باشد، وسیله‌ای برای نگاه به مواضع زینت می‌شود. اما نگاه به زینت‌های آشکار حرام نیست، زیرا مستلزم عسر و حرج است. مقصود از زینت آشکار فقط لباس هاست؛ چرا که فقها اتفاق نظر دارند بر اینکه تمام بدن زن در حکم عورت است مگر برای زوج و محارم او (فاضل مقداد، ۱۴۲۵، ۲/۲۲۲). به نظر می‌رسد منظور وی از ثیاب، لباس‌های رو باشد زیرا ذیل آیه ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ... أَنْ يَصْغُنَّ ثِيَابَهُنَّ﴾ (نور/۶۰) مراد از ثیاب را لباس‌هایی عنوان می‌کند که روی خمار و روسری قرار می‌گیرند، مثل چادر، ملحفه و دیگر لباس‌ها (فاضل مقداد، ۱۴۲۵، ۲/۲۲۶). بنابراین، فاضل مقداد، لباس را تنها زینت آشکاری که زن جایز است آن را نمایان کند، معرفی می‌نماید و هیچ سخنی از استثنای اعضا نمی‌آورد. اما در جای دیگر نگاه به چهره را یکبار بدون تکرار جایز می‌داند (فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ۳/۲۱).

البته سیوری بعد از بیان بقیه اقوال در مورد زینت آشکار، که مراد از آن را صورت و دو کف دست یا مراد سرمه و خضاب (رنگ کردن بدن با حنا و غیر آن) یا انگشتر می‌دانند، می‌گوید: استدلال به اینکه مسامحه در این امور به دلیل نیاز به نمایان ساختن آن‌هاست، ضعیف است؛ چون اگر این موارد در صورت ضرورت دیده شوند و از پوشاندن آن‌ها حرج و سختی لازم آید، خود این حرج، دلیل جواز می‌باشد نه آیه و الا اگر حرج و ضرورت نباشد، دلیلی بر جواز آشکار ساختن موارد بالا وجود ندارد (فاضل مقداد، ۱۴۲۵، ۲/۲۲۲).

ابن فهد حلی عورت زن در نماز و در مقابل نامحرم را تمام بدنشان به جز صورت، کف دست‌ها و پاها معرفی می‌کند (ابن فهد، ۱۴۰۹، ۱۵۱). اما در المذهب ظاهراً تنها جواز نگاه به وجه و کفین را پذیرفته است (ابن فهد، ۱۴۰۷، ۳/۲۰۵).

محقق کرکی در کتاب نکاح، فقط نگاه به چهره را جایز می‌داند (کرکی، ۱۴۱۴، ۳۵/۱۲)، اما در کتاب صلوات، جواز نمایان شدن صورت و کف دست‌ها در مقابل نامحرم را بیان می‌کند؛ چرا که تنها دلیلی که برای خارج نمودن این دو عضو بیان می‌کند و شامل غیر نماز هم می‌شود، تفسیر آیه «**الَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا**» به صورت و کف دست‌هاست، ولی روایت محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۳۸۷/۴) که استثنای صورت و دست‌ها و پاها از آن استنباط می‌شود، صریح در حالت نماز است (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ۲/۹۷-۹۲). با وجود این تفاوت، چون ایشان به‌طور صریح، تساوی پوشش صلاتی و غیر صلاتی را مطرح، می‌توان استثنای قدمین در مقابل نامحرم را برداشت نمود. نهایت اینکه کرکی، میان پوشش و نگاه تفاوت قائل است.

شهید ثانی به‌طور قطع صورت، دست‌ها و پاها تا میج را از میزان پوشش زن نمازگزار استثنا می‌نماید (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱/۱۶۶؛ شهید ثانی، ۱۴۲۰، ۲/۵۸۲-۵۸۱)؛ لذا می‌توان سخن ایشان در رسائل که فقط روی پا را جزو مستثنیات می‌آورد (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲/۷۳۵) تأثیر کلام شیخ طوسی در المبسوط یا محقق در الشرائع یا رأی گذشته ایشان دانست. ایشان در کتاب نکاح، جواز نگاه به وجه و کفین را مورد اتفاق می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۷/۴۶). شهید ثانی در زمره فقهای قائل به

تساوی پوشش صلاتی و در مقابل نامحرم است، لذا شاید بتوان دلیل عدم استثنا قدمین در مقابل نامحرم را احتیاط ایشان به دلیل اختلاف نظر فقها در مورد پاها دانست.

محقق بحرانی که قائل به تساوی دو مقام است (بحرانی، ۱۴۰۵، ۶/۷) تنها استثنای صورت را می‌پذیرد. ایشان عدم استثنای دست‌ها و پاها تا میج را ظاهر می‌داند. وی استفاده فقها از صحیحۀ محمد بن مسلم (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۳۸۷/۴) را مبنی بر اینکه پیراهن غالباً کفین و قدمین را نمی‌پوشاند، نادرست می‌خواند و می‌گوید: باید پیراهن زنان زمان صدور حدیث مدّ نظر قرار گیرد. لباس بانوان آن دوران به‌طور کامل بزرگ بوده و از نظر طولی هم روی زمین کشیده می‌شده است. به احتمال زیاد این سنت از قدیم تاکنون نیز میان زنان جاری است. مؤید این کلام را موقوفۀ سماعه از امام صادق علیه السلام می‌داند؛ زیرا در این حدیث تصریح می‌شود که پیراهن زنان روی زمین کشیده می‌شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۵۸/۶). ایشان درباره روایات دیگر در این خصوص می‌گوید: این احادیث نیز به وجوب ستر دست‌ها و پاها ضرری نمی‌رساند؛ زیرا در روایت زراره (طوسی، ۱۳۹۰، ۱/۳۸۹-۳۸۸) از ملحفه صحبت می‌شود و آن لباسی گشاد و بلند است که تمام بدن را فرا می‌گیرد و بر روی لباس‌ها پوشیده می‌شود. پس وقتی در روایت تجلّل با ملحفه مطرح می‌شود؛ یعنی کفین و قدمین نیز پوشیده می‌شود. اضافه بر اینکه با درع نیز ستر طولی و عرضی حاصل می‌شود (۱۴۰۵، ۱۱/۷-۸).

کاشف الغطا موافق تساوی پوشش زن در نماز و غیر آن است، اما باز مقدار ساتر عورت را به دو قسم عورت نظر و عورت نماز تقسیم می‌نماید. در هر دو، رأی به وجوب پوشاندن اندام و مو و گوش‌ها و نزعان برخلاف چهره و صدغین و سفیدی جلوی گوش‌ها و کف دست‌ها تا میج و اطراف انگشتان می‌دهد. ایشان همچنین الحاق روی پاها به این مستثنیات را قول قوی می‌داند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ۱۳/۳-۹). بنابراین، نظر مشهور فقها در این دوره عبارت است از: «وجوب پوشش تمام بدن در مقابل نامحرم به استثنای وجه و کفین» و آرای نادر این دوره عبارت است از: «پوشش تمام بدن بدون استثنا» و «پوشاندن تمام بدن زن به‌جز صورت». لازم

به ذکر است، اکثر فقهای این دوره معتقد به واجب نبودن پوشش پا هستند، اما چون در میزان آن اختلاف نظر زیادی وجود دارد، به گونه‌ای که نه می‌توان آن را در رأی مشهور و نه در زمره آرای نادر برشمرد، از پرداختن به آن صرف نظر می‌شود.

۴.۲.۱. تحلیل آرای نادر این دوره

فاضل مقداد با اعتقاد به اینکه تمام بدن زن بدون استثنا عورت است و تنها جامه‌های روئین او می‌تواند دیده شود (فاضل مقداد، ۱۴۲۵، ۲/۲۲۶)، اولین دیدگاه نادر این دوره را رقم می‌زند. اما از آنجا که ایشان ضرورت و عسر و حرج را دلایل معتبر و مستقلی بر عدم پوشش صورت و دست‌ها تا مچ می‌داند (فاضل مقداد، ۱۴۲۵، ۲/۲۲۶) و پوشاندن این دو عضو از سوی زنان با سختی همراه است، پس می‌توان ایشان را موافق قول مشهور فقها دانست.

بحرانی با مستند قرار دادن روایت سماعه تنها چهره را از میزان پوشش استثنا می‌کند (بحرانی، ۱۴۰۵، ۸/۷) و دیگر رأی نادر این دوره یعنی «پوشاندن تمام بدن زن به جز صورت» را بیان می‌کند. نظریه بحرانی، رأی مشهور دوره قبل است، لذا برخی از فقها به موافقان آن دیدگاه پاسخ داده‌اند، مثلاً شهید اول علت کلام شیخ طوسی در الاقتصاد و عبارت ابوالصلاح را در ممنوعیت باز بودن دست‌ها و پاها، عمومیت گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث «المرأة عورة» (ترمذی، ۱۴۰۳، ۲/۳۱۹؛ هیشمی، ۱۴۰۸، ۲/۳۵) می‌داند و در جواب می‌گوید این مقدار با دلیل از تحت عمومیت روایت خارج شده است. [مقصود ایشان از دلیل، گفتار ابن عباس در تفسیر زینت آشکار به وجه و کفین است (بیهقی، ۱۴۲۴، ۲/۲۲۵)]. همچنین در عدم پوشش پا به فرمایش امام باقر علیه السلام (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۴/۳۸۷) در کفایت پیراهن و مقنعه برای زنان استناد می‌کند و می‌گوید: پیراهن و مقنعه غالباً پاها را نمی‌پوشاند (شهید اول، ۱۴۱۹، ۸/۳).

محقق کرکی نیز با استناد به تفسیر آیه «الّٰ مَا ظَهَرَ مِنْهَا» به صورت و کف دست‌ها و همچنین قول مشهور بین فقهای امامیه در استثنای پاها، به دلیل آشکاری این دو عضو و به دلیل روایت محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۴/۳۸۷) در

اکتفای آن حضرت به درع و مقنعه و اینکه پیراهن نیز در بیشتر موارد پاها را نمی پوشاند، نتیجه می گیرد که آنچه از ظاهر کلام شیخ طوسی و ابوالصلاح در ممنوعیت باز بودن کف دست‌ها و پاها برمی آید صحیح نیست و بدون شک مذهب درست را در استثناء صورت و دست‌ها و پاها می داند (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ۹۷/۲-۹۶). مستند فقها، روایات هستند و در روایات (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۳۸۷/۴؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۲۵۷/۱) نیز لباس‌هایی مانند درع و خمار برای پوشش بانوان بیان شده است. این جامه‌ها نیز با اختلاف معنایی روبه‌رو هستند؛^۱ هم پوشش تمام بدن به‌جز صورت تا حداکثر استثنای کفین و قدمین را شامل می شوند؛ بنابراین، فقها در قول به «وجوب پوشش بدن زن به استثنای صورت» بیشترین میزان پوشاندگی را در نظر گرفته‌اند و در قول «وجوب پوشش بدن به‌جز وجه و کفین و قدمین» کمترین میزان پوشاندن این لباس‌ها را پذیرفته‌اند.

۴.۳. آرای فقهای قرن چهاردهم تا پانزدهم

محقق یزدی پوشش را دو قسم می داند؛ اول ستر ما یلزم فی نفسه [همان پوشش در مقابل نامحرم] و دوم ستر مخصوص حالت نماز. یزدی در خصوص پوشش در مقابل نامحرم وجوب پوشش تمام بدن به‌جز صورت و دست‌ها را بیان می کند و ساطر خاص و کیفیت ویژه‌ای در آن شرط نمی داند، بلکه مناط را مجرد ستر عنوان می کند. ایشان در مورد پوشش در نماز معتقد است که، ستر در نماز به صورت مطلق واجب است خواه نامحرمی باشد یا نباشد و در آن کیفیت خاص و ساطر مخصوص شرط است که نسبت به زن و مرد نیز متفاوت می شود. بر زن واجب است در نماز

تحلیل آرای نادر فقهی
شعبه دربارهٔ حجاب زن
مسلمین

۹۳

۱. (خ م ر) به معنای پوشیدن شیئی است، از این رو به شراب خمر گفته می شود چرا که عقل را می پوشاند (طریحی، ۱۴۱۶/۳۷۲). البته کلمه خمار که جمع آن (خُمُر) است، در معنای جامه‌ای که زن با آن سر خود را می پوشاند، متعارف شده است (راغب، ۱۴۱۲، ۲۹۸؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۸۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ۳۶۶/۶). برخی آن را وسیله‌ای برای پوشاندن سر و سینه زنان معرفی می کنند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۱۴۶/۲). همچنین خمار را پارچه‌ای که زن با آن صورت خود را می پوشاند و از چشم‌ها پوشیده می شود نیز به کار رفته است (عبد المنعم، بی تا، ۵۴/۲).
دُزَع در عبارات فقها به هر لباسی که دست داخل آن رود اطلاق شده است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ۵۹۷/۳). اهل لغت دُزَع المرأة را به قمیص یعنی پیراهن او معنا نموده‌اند (جوهری، ۱۴۱۰، ۱۲۰۶/۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲۶۸/۲؛ ابن اثیر، بی تا، ۱۱۳/۲). به نقل از کتاب التّهذیب، درع لباسی است که زن وسط آن را به صورت گریبانی باز می کند و دو [آستین] برای آن قرار می دهد و درز دو طرف را می دوزد (عبد المنعم، بی تا، ۷۹/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۸۱/۸).

تمام بدنش حتی سر و گردن و مویش را بپوشاند. همچنین زیر چانه حتی مقداری از آن که با وجود روسری دیده می‌شود بنابر احوط باید پوشیده شود. از این مقدار، صورت همان اندازه که در وضو شسته می‌شود و پشت و روی دست‌ها تا مچ و پاها تا [مفصل] ساق استثنا می‌باشد. همچنین لازم است مقدار بیشتری از باب مقدمه پوشیده شود. اگر در حال نماز نامحرمی با ریه به صورت یا کف دست‌ها یا پاهای زن نگاه کند، بر خانم واجب است آن‌ها را بپوشاند اما نه از جهت نماز [بلکه به دلیل وجود نامحرم]: چرا که اگر نمازش را به همان صورت و بدون پوشاندن آن قسمت‌ها تمام کند، نمازش باطل نیست (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ۵۵۱/۱-۵۴۹).

بیشتر فقهای این دوره، این تقسیم محقق یزدی را می‌پذیرند؛ یعنی پوشش زنان در حال نماز تمام بدن به جز چهره، دست‌ها و پاها تا مچ است، اما در مقابل نامحرم، تنها به دو استثنای اول بسنده کرده و قدمین را جزو محدوده واجب الستر می‌دانند. همچنین در ستر فی نفسه، به صورت مطلق حکم به احوط بودن ستر وجه و کفین از غیر محارم می‌دهند (حکیم، ۱۴۱۶، ۲۵۸/۵-۲۳۹؛ اشتهاوردی، ۱۴۱۷، ۵۳۸/۱۲-۴۵۶؛ سبزواری، ۱۴۱۶، ۲۴۷/۵-۲۲۸؛ اراکی، ۱۴۲۱، ۱۷۸-۱۷۷؛ ۱۴۱۹، ۲۴).
مرعشی نجفی در قسمت ستر فی نفسه احوط بلکه اقوی را در پوشاندن وجه و کفین اظهار می‌کند (مرعشی نجفی، ۱۴۰۶، ۱۴۴/۱-۱۴۳).

با عنایت به سخن فقها در این قسمت، روشن شد که فقهای این دوره تحت تأثیر محقق یزدی، پوشش واجب در مقابل نامحرم را تمام بدن به استثنای وجه و کفین می‌دانند و در نماز پوشش پاها تا مچ را نیز لازم نمی‌دانند. بیشتر فقهای این دوره به ستر گردن، موی سر و زیر چانه و همچنین ستر افزون‌تر از حد واجب، از باب مقدمه نیز اشاره نموده‌اند. لذا در این دوره رأی نادری از سوی فقها مطرح نشده است.

نتیجه‌گیری

۱. اکثر فقهای اولیه تا قرن چهاردهم اظهارنظری در مورد تفاوت یا عدم تفاوت ستر صلاتی با غیرصلاتی نداشته‌اند.

۲. فقها در قرن چهاردهم و پانزدهم، با تفکیک ستر صلاتی از غیرصلاتی، میان

دو مقام تفاوت قائل شده‌اند.

۳. فقهای که به عدم برابری دو مقام اشاره دارند (محقق کرکی و فقیهان قرن چهاردهم و پانزدهم) غالباً پوشش در مقابل نامحرم را بیشتر از ستر صلاتی می‌دانند. همچنین فقیهی مثل صاحب حدائق، که قائل به تساوی دو مقام است، تنها به استثنای چهره از محدوده پوشش فتوا می‌دهد.

۴. فقها از زمان شیخ مفید تا ابن ادریس حلی، وجوب پوشش تمام بدن زن یا حداکثر استثنای چهره را از میزان واجب الستر بانوان پذیرفته‌اند. این نظر، نزدیک به یک قرن و نیم رأی مشهور بین فقها بوده است. حال با توجه به اینکه فقهای پیش از ابوالصلاح مانند شیخ مفید و سید مرتضی اظهار نظر زیادی درباره پوشش نداشته‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که آنان نیز حداکثر صورت را جزو محدوده حجاب بانوان نمی‌دانستند و ابوالصلاح و فقهای بعد از ایشان یعنی شیخ طوسی، ابن براج، راوندی، ابن زهره، ابن ادریس و ...، که نظریه «پوشش تمام بدن» را مطرح کردند، از ادله استنباطی مانند فقهای گذشته داشته‌اند. بنابراین، رأی مشهور قدمای فقهای شیعه، از شیخ مفید (۴۱۳ق) تا محقق (۶۷۶ق) «پوشاندن تمام بدن زنان بدون استثناء» بوده است. اما فقهای ادوار بعد کم کم این دیدگاه را کنار گذاشته و دست‌ها تا میچ و به طریقی پاها تا میچ را نیز به استثنای چهره افزوده‌اند.

تحلیل آرای نادر فقهی
شعبه درباره حجاب زن
مسلمین

منابع

• قرآن کریم

۱. ابن ابی عقیل، حسن بن علی. (بی‌تا). مجموعه فتاویٰ ابن ابی عقیل. جامع عبد الکریم بروجردی. تحقیق: علی پناه اشتهاردی. قم: بی‌تا.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. (بی‌تا). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. قم: اسماعیلیان. بی‌تا.
۳. ابن ادریس، محمد بن احمد. (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۵. ابن براج، عبد العزيز بن نحرير. (۱۴۰۶). المهذب. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۶. ابن جنيد اسكافي، محمد بن احمد. (۱۴۱۶). مجموعة فتاوى ابن جنيد. جامع و محقق علي پناه اشتهاردی. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۷. ابن حمزه، محمد بن علي. (۱۴۰۸). الوسيلة إلى نيل الفضيلة. قم: انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي نجفی.
۸. ابن زهره، حمزة بن علي. (۱۴۱۷). غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق.
۹. ابن غضائري، احمد بن ابی عبد الله. (بی تا). رجال ابن الغضائري - كتاب الضعفاء. قم: بی نا.
۱۰. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴). معجم مقائيس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامي حوزه علميه قم.
۱۱. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد. (۱۴۰۹). الرسائل العشر. قم: انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي نجفی.
۱۲. _____ (۱۴۰۷). المهذب البارع في شرح المختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر.
۱۴. ابو الصلاح حلبی، تقی الدين بن نجم الدين. (۱۴۰۳). الكافي في الفقه. اصفهان: كتابخانه عمومی اميرالمؤمنين.
۱۵. اراکي، محمد علي. (۱۴۲۱). كتاب الصلاة، قم، دفتر جناب مؤلف.
۱۶. _____ (۱۴۱۹). كتاب النكاح. قم: نور نگار.
۱۷. اشتهاردی، علي پناه. (۱۴۱۷). مدارك العروة. تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر.
۱۸. بحرانی، محمد سند. (۱۴۲۹). سند العروة الوثقى - كتاب النكاح، محقق قيصر تميمی و علي محمود عبادی. قم: مكتبة فلك.
۱۹. بحرانی، يوسف بن احمد. (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۲۰. برقي، احمد بن محمد. (۱۳۸۳). رجال البرقي. تهران: انتشارات انشگاه تهران.
۲۱. بيهقي، أبوبكر. (۱۴۲۴). السنن الكبرى. محقق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار

جستارهای

فقهی و اصولی

سال چهارم، شماره پیاپی دوازدهم
پاییز ۱۳۹۷

الكتب العلمية.

٢٢. ترمذی، محمد بن عیسی. (١٤٠٣). سنن الترمذی. تحقیق و تصحیح: عبدالوهاب عبداللطیف. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

٢٣. تفرشی، سید مصطفی. (١٤١٨). نقد الرجال. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

٢٤. جوهری، اسماعیل بن حماد. (١٤١٠). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية. بیروت: دار العلم للملایین.

٢٥. حائری یزدی، عبد الکریم. (١٤٠٤). کتاب الصلاة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

٢٦. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (١٤٠٩). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

٢٧. حکیم، سید محسن. (١٤١٦). مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دار التفسیر.

٢٨. خمینی، سید روح الله، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران. (بی تا). تحریر الوسيلة. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.

٢٩. خویی، سید ابوالقاسم. (١٣٧٢). معجم رجال الحديث. قم: مرکز النشر الثقافة الاسلامیة فی العالم.

٣٠. _____ (١٤١٨). موسوعة الإمام الخوئي، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي علیهم السلام.

٣١. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (١٤١٢). مفردات ألفاظ القرآن. محقق صفوان عدنان داودی. سوریه: دار العلم - الدار الشامیة.

٣٢. ربانی، محمد حسن. (١٣٨٦). فقه و فقهای امامیه در گذر زمان، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.

٣٣. زبیدی، سید محمد مرتضی. (١٤١٤). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

٣٤. سبحانی، جعفر. (١٤١٤). کلیات فی علم الرجال. قم: مؤسسه النشر الإسلامیة التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.

٣٥. سبزواری، سید عبد الأعلى. (١٤١٣). مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام. قم: مؤسسه المنار.

٣٦. شبیری زنجانی، سید موسی. (١٤١٩). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.

٣٧. شریف مرتضی، علی بن حسین. (١٤١٥). الانتصار فی انفرادات الإمامیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

٣٨. _____ (١٤١٧). المسائل الناصریات. تهران: رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامیة.

تحلیل آرای نادر فقهی
شیعه درباره حجاب زن
مسلمین

۳۹. _____ . (۱۳۸۷) . جمل العلم و العمل . نجف اشرف: مطبعة الآداب .
۴۰. _____ . (۱۴۰۵) . رسائل الشريف المرتضى . قم: دار القرآن الكريم .
۴۱. شوشتری، محمدتقی . (۱۴۱۰) . قاموس الرجال . قم: مؤسسه نشر اسلامی .
۴۲. شهید اول، محمد بن مکی . (۱۴۰۸) . الألفية في فقه الصلاة اليومية . قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم .
۴۳. _____ . (۱۴۱۷) . الدروس الشرعية في فقه الإمامية، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم .
۴۴. _____ . (۱۴۱۹) . ذکری الشیعة في أحكام الشریعة . قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام .
۴۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی . (۱۴۲۱) . رسائل الشهید الثاني (ط - الحدیثة) . قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم .
۴۶. _____ . (۱۴۲۰) . روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان (ط - الحدیثة) . قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم .
۴۷. _____ . (۱۴۱۳) . مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام . قم: مؤسسة المعارف الإسلامية .
۴۸. شهید صدر، سید محمد (۱۴۲۰) . ماوراء الفقه . بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع .
۴۹. شیخ مفید، محمد بن محمد . (۱۴۱۳) . أحكام النساء . قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید .
۵۰. _____ . (۱۴۱۳) . الارشاد في معرفة حجج الله على العباد . قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید .
۵۱. _____ . (۱۴۱۳) . المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید .
۵۲. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد . (۱۴۱۴) . المحيط في اللغة . بیروت: عالم الكتاب .
۵۳. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم . (۱۴۰۹) . العروة الوثقی . بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات .
۵۴. طریحی، فخر الدین . (۱۴۱۶) . مجمع البحرین . تهران: کتابفروشی مرتضوی .
۵۵. طوسی، محمد بن حسن . (۱۳۹۰) . الاستبصار فيما اختلف من الأخبار . تهران: دار الکتب الإسلامية .
۵۶. _____ . (۱۳۷۵) . الاقتصاد الهادي إلى طريق الرشاد . تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون .
۵۷. _____ . (بی تا) . التبیان فی تفسیر القرآن . تحقیق احمد قصیر عاملی . بیروت:

جستارهای

فقهی و اصولی

سال چهارم، شماره پیاپی دوازدهم
پاییز ۱۳۹۷

داراحياء التراثالعربي، بي.تا.

٥٨. _____ . (١٤٠٧). تهذيب الأحكام. تهران: دار الكتب الإسلامية.
٥٩. _____ . (١٣٨٧). الجمل و العقود في العبادات. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد.
٦٠. _____ . (١٤٠٧). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٦١. _____ . (١٤٢٧). رجال الشيخ الطوسي. مصحح جواد قیومی اصفهانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٦٢. _____ . (بي.تا). الفهرست. نجف: المكتبة الرضوية.
٦٣. _____ . (١٣٨٧). المبسوط في فقه الإمامية. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
٦٤. _____ . (١٤٠٠). النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى. بيروت: دار الكتاب العربي.
٦٥. عاملی، ياسين عيسى. (١٤١٣). الاصطلاحات الفقهية في الرسائل العملية. بيروت: دار البلاغة للطباعة و النشر و التوزيع.
٦٦. عبد المنعم، محمود عبد الرحمان. (بي.تا). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية. بي.تا: بي.تا.
٦٧. علامه حلی، حسن بن يوسف (١٤١٠). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٦٨. _____ . (١٤١١). تبصرة المتعلمين في أحكام الدين. تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
٦٩. _____ . (١٤٢٠). تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديثة). قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
٧٠. _____ . (١٣٨٨). تذكرة الفقهاء (ط - القديمة). قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
٧١. _____ . (١٣٨١). رجال العلامة - خلاصة الأقوال. نجف: منشورات المطبعة الحيدرية.
٧٢. _____ . (١٤١٣). قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٧٣. _____ . (١٤١٣). مختلف الشيعة في أحكام الشريعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٧٤. _____ . (١٤١٢). منتهى المطلب في تحقيق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.

تحليل آرای نادر فقهی
شیعه درباره حجاب زن
مسلمین

۷۵. _____ . (۱۴۱۹) . نهاية الأحكام في معرفة الأحكام . قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام .
۷۶. فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله . (۱۴۰۴) . التنقيح الرائع لمختصر الشرائع . قم: انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي نجفی .
۷۷. _____ . (۱۴۲۵) . كنز العرفان في فقه القرآن . قم: انتشارات مرتضوی .
۷۸. فراهیدی، خليل بن احمد . (۱۴۱۰) . كتاب العين . قم: نشر هجرت .
۷۹. قرشي، سيد على اكبر . (۱۴۱۲) . قاموس قرآن . تهران: دار الكتب الإسلامية .
۸۰. قطب الدين راوندي، سعيد بن هبة الله . (۱۴۰۵) . فقه القرآن في شرح آيات الأحكام . قم: كتابخانه آيت الله مرعشي نجفی .
۸۱. كاشف الغطاء، جعفر بن خضر . (۱۴۲۲) . كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء . قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم .
۸۲. كاشف الغطاء، حسن بن جعفر . (۱۴۲۲) . أنوار الفقاهة - كتاب الصلاة . نجف اشرف: مؤسسه كاشف الغطاء .
۸۳. كشي، محمد بن عمر . (۱۴۹۰) . رجال كشي . محقق حسن مصطفوی . مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی .
۸۴. كليني، محمد بن يعقوب . (۱۴۰۷) . الكافي، محقق على اكبر غفاري، تهران: دار الكتب الإسلامية .
۸۵. مامقاني، عبد الله . (بی تا) . تنقيح المقال . تهران: نشر جهان .
۸۶. محقق حلّي، جعفر بن حسن . (۱۴۱۸) . المختصر النافع في فقه الإمامية . قم: مؤسسه المطبوعات الدينية .
۸۷. _____ . (۱۴۰۷) . المعبر في شرح المختصر . قم: مؤسسه سيد الشهداء علیه السلام .
۸۸. _____ . (۱۴۰۸) . شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام . قم: مؤسسه اسماعيليان .
۸۹. محقق كركي، علي بن حسين . (۱۴۱۴) . جامع المقاصد في شرح القواعد . قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام .
۹۰. مرعشي نجفی، سيد شهاب الدين . (۱۴۰۶) . منهاج المؤمنين . تنظيم سيد عادل علوی . قم: كتابخانه عمومي آيت الله العظمي مرعشي نجفی .
۹۱. مشكيني، ميرزا علي . (۱۴۱۳) . اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، قم، دفتر نشر الهادي .
۹۲. مقدس اردبيلي، احمد بن محمد . (۱۴۰۳) . مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان . قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم .
۹۳. مكارم شيرازي، ناصر . (۱۴۲۵) . أنوار الفقاهة - كتاب النكاح . قم: انتشارات مدرسة الإمام

جستارهای

فقهی و اصولی

سال چهارم، شماره پیاپی دوازدهم
پاییز ۱۳۹۷

علي بن أبي طالب عليه السلام.

۹۴. نائینی، میرزا محمد حسین. (۱۴۱۱). کتاب الصلاة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۹۵. نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷). رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشيعة. قم:

دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۹۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم:

مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

۹۷. هیشمی، علی بن ابی بکر. (۱۴۰۸). مجمع الزوائد. بیروت: دار الکتب العلمیه.

تحلیل آرای نادر فقهی
شیعه درباره حجاب زن
مسلمان

